



Developing a Conceptual Model for Sustainable Employment and Economic Advancement in Local Communities through Value Chain Completion and Development

Masoud Panahi¹, Farzad Fath^{*2}, Babak Nekoei³

1. Chief Executive Officer (CEO), Alavi Economic Empowerment Institute

masoud.bagherpanahi@gmail.com

2. Director of Monitoring and Evaluation, Alavi Economic Empowerment Institute

fathichaharrah@gmail.com

3. Vice President of Planning, Monitoring, and Training, Alavi Economic Empowerment Institute

babak.nekoei@gmail.com

ABSTRACT

Received: 23 May 2025
Revised: 7 June 2025
Accepted: 9 June 2025
Available Online: 1 July 2025

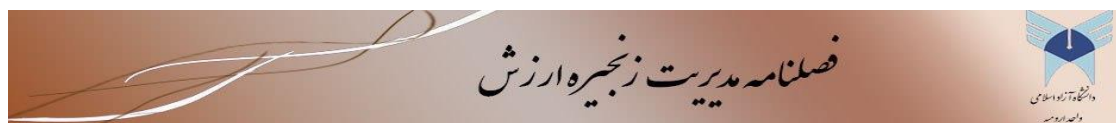
Article type: Research Paper
DOI:

Despite the inherent local capacities within communities, the absence of a coherent model based on the value chain approach has hindered the path to sustainable employment and economic advancement. This study aims to design a conceptual model for fostering sustainable employment and promoting economic progress in local communities through the development and completion of value chains. The research was conducted within the framework of 60 prioritized national projects across Iran. Employing an exploratory mixed-methods approach, the qualitative phase involved semi-structured interviews with 20 senior managers from employment-related institutions, and the data were analyzed using content analysis and coding techniques. The findings identified three core constructs: empowerment of the local development infrastructure, expansion of economic capacities based on value chains, and developmental outcomes and sustainable employment. In the quantitative phase, data were collected from 120 value chain experts and analyzed using structural equation modeling (SEM). Results indicate that enhancing value chain capacities has a significant and positive effect on empowering the local development environment, and both variables directly contribute to achieving sustainable economic and developmental outcomes. The final model demonstrated a strong fit and can serve as a foundation for local policy-making and the design of development-oriented interventions.

Keywords: Sustainable Employment Development, Economic Progress, Local Value Chains, Community Empowerment, Structural Equation Modeling.

^{*}Corresponding author: Farzad Fathi

E-mail address: fathichaharrah@gmail.com



ارائه مدل مفهومی توسعه اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی جوامع محلی با رویکرد تکمیل و توسعه زنجیره ارزش

مسعود پناهی^۱، فرزاد فتحی^{۲*}، بابک نکویی^۳

۱. مدیر عامل موسسه توانمندسازی اقتصادی علوی

masoud.bagherpanahi@gmail.com

۲. مدیر نظارت و ارزیابی موسسه توانمندسازی اقتصادی علوی

fathichaharrah@gmail.com

۳. معاون برنامه ریزی، نظارت و آموزش موسسه توانمندسازی اقتصادی علوی

babak.nekoei@gmail.com

چکیده

با وجود ظرفیت‌های بومی در جوامع محلی، فقدان یک مدل منسجم مبتنی بر زنجیره ارزش، مانعی در مسیر توسعه اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی این جوامع است. هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل مفهومی توسعه اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی جوامع محلی با رویکرد تکمیل و توسعه زنجیره ارزش می‌باشد. این مطالعه در بستر ۶۰ پروژه ملی مزیت‌دار در ایران انجام شده است. روش تحقیق از نوع آمیخته اکتشافی است. در بخش کیفی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از مدیران نهادهای متولی اشتغال، از طریق تحلیل محتوا کدگذاری شد. نتایج این بخش به شناسایی سه متغیر اصلی شامل «توانمندسازی بستر توسعه محلی»، «توسعه ظرفیت‌های اقتصادی مبتنی بر زنجیره ارزش» و «پیامدهای توسعه‌ای و اشتغال پایدار» منجر شد. در بخش کمی، داده‌های گردآوری‌شده از ۱۲۰ نفر از متخصصان حوزه زنجیره ارزش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تحلیل گردید. یافته‌ها حاکی از آن است که توسعه ظرفیت‌های زنجیره‌ای اثر مثبت و معناداری بر توانمندسازی بستر محلی دارد و این دو متغیر به شکل مستقیم موجب تحقق پیامدهای توسعه‌ای و پایداری اقتصادی می‌شوند. مدل نهایی از برآزش مناسبی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های محلی و طراحی مداخلات توسعه‌محور مورد استفاده قرار گیرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

مقاله علمی پژوهشی

واژگان کلیدی: توسعه اشتغال پایدار، پیشرفت اقتصادی، زنجیره ارزش محلی، توانمندسازی

جوامع، مدل‌سازی معادلات ساختاری.

* نویسنده مسئول: فرزاد فتحی

آدرس پست الکترونیک: fathichaharrah@gmail.com

مقدمه

مسأله اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی جوامع محلی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، از چالش‌های اساسی در فرآیند توسعه ملی به‌شمار می‌رود. با وجود تلاش‌های فراوان، نرخ بیکاری بالا، نابرابری‌های منطقه‌ای و ناکارآمدی سرمایه‌گذاری‌ها در سطح محلی همچنان وجود دارد. یافته‌های گاودلی^۱ (۲۰۲۲) و چاکرابورتی^۲ (۲۰۲۳) نشان می‌دهند که رشد اقتصادی پایدار نیازمند پیوند مؤثر میان سرمایه‌گذاری‌های ثابت، پس‌اندازهای داخلی و مدیریت بهینه منابع محلی است. در این میان، تکمیل و توسعه زنجیره‌های ارزش به‌عنوان راهبردی کلیدی برای ارتقاء اشتغال پایدار در سطح جوامع محلی مورد تأکید قرار گرفته است. مدل‌های توسعه مبتنی بر زنجیره ارزش با هدف افزایش بهره‌وری منابع و توانمندسازی واحدهای خرد و متوسط می‌توانند بستر مناسبی برای رشد متوازن و شفافیت اقتصادی فراهم سازند، آن‌چنان‌که گائو و همکاران (۲۰۲۳) در زمینه تحول اقتصادی در چین نشان داده‌اند. از منظر سیاست‌گذاری، ارتباط میان پس‌انداز داخلی و نرخ رشد اقتصادی نه‌تنها در مقیاس کلان بلکه در سطح محلی نیز اهمیت بسزایی دارد. تحقیقات سابووا و همکاران (۲۰۲۳) در منطقه وی‌شگراد حاکی از آن است که افزایش نرخ پس‌انداز خانوارها به شرط وجود ساختارهای مالی کارآمد، موجب توانمندسازی اقتصادی خانوارها و در نهایت افزایش ظرفیت سرمایه‌گذاری محلی می‌شود. از سوی دیگر، توسعه مالی در چارچوب‌های جدیدی همچون بازار اوراق سبز^۳ به‌عنوان ابزار تأمین مالی نوین برای پروژه‌های زیست‌محیطی و اشتغال‌زا در حال گسترش است (بانگا، ۲۰۱۹؛ تالیور و همکاران، ۲۰۱۹).

¹ Govdali

² Chakraborty

³ Green Bonds

این بازارها در صورتی می‌توانند نقش موثری ایفا کنند که با سیاست‌های حمایتی، شفاف‌سازی مقررات مالی (بوش^۱، ۲۰۲۳) و تبیین ساختار زنجیره‌های ارزش محلی همراستا شوند تا امکان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اشتغال‌زای بومی تسهیل گردد.

هم‌زمان، چالش‌های زیست‌محیطی، اقلیمی و فناورانه در کشورهای در حال توسعه ضرورت بازنگری در الگوهای سنتی رشد اقتصادی را دوجندان کرده است. مطالعات ژو و دا (۲۰۲۱) و دا (۲۰۲۳) تأکید دارند که مقررات زیست‌محیطی اگر در تعامل با نوآوری مالی و حمایت از فناوری‌های سبز اعمال شود، می‌تواند موجب ارتقاء توسعه با کیفیت بالا گردد. در این راستا، زنجیره‌های ارزش محلی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که نه‌تنها منجر به تولید و اشتغال شوند بلکه پایداری زیست‌محیطی و اجتماعی را نیز در بر داشته باشند. شن و همکاران (۲۰۲۲) نیز بر ضرورت ارزیابی ظرفیت زیرساخت‌های شهری و نهادهای محلی برای مدیریت چنین الگوهایی تأکید کرده‌اند. توسعه اشتغال پایدار در این چارچوب نیازمند نهادسازی مشارکتی، به‌کارگیری فناوری‌های نو و تقویت تاب‌آوری اقتصادی جوامع محلی است.

بهره‌گیری از مفهوم توسعه مبتنی بر زنجیره ارزش با رویکرد سیستمی و منطقه‌محور، می‌تواند به عنوان مدل مفهومی نوین برای ارتقاء اشتغال پایدار مطرح گردد. این مدل باید با تأکید بر پیوند میان پس‌انداز داخلی، سرمایه‌گذاری کارآمد، انتقال فناوری، و مشارکت عمومی-خصوصی طراحی شود. مطابق با یافته‌های کای و همکاران (۲۰۲۱) و ژانگ و همکاران (۲۰۲۲)، توسعه هماهنگ میان عناصر زیربنایی، زیست‌محیطی و تولیدی شرط لازم برای افزایش بهره‌وری و پایداری در سطح محلی است. بر این اساس، طراحی چنین مدلی می‌تواند نه‌تنها به کاهش فقر و افزایش فرصت‌های شغلی کمک کند، بلکه زمینه‌ساز پویایی اقتصادی در سطح منطقه‌ای نیز باشد؛ پویایی‌ای که به‌واسطه انسجام درونی زنجیره ارزش و تقویت پیوندهای عمودی و افقی میان واحدهای اقتصادی، به تحقق توسعه متوازن منجر خواهد شد.

¹ Busch

توسعه اشتغال پایدار در چارچوب زنجیره‌های ارزش محلی، زمانی به موفقیت منتهی می‌شود که ظرفیت‌های نهفته منابع انسانی، سرمایه‌های اجتماعی و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای به‌درستی شناسایی و در فرآیند تولید، بازاریابی، توزیع و مصرف محصولات بومی وارد شوند. یافته‌های لیو و همکاران (۲۰۲۳) نشان می‌دهند که تمرکز بر هم‌افزایی میان اقتصاد دریا، تاب‌آوری شهری و سیاست‌گذاری منطقه‌ای موجب افزایش کارایی اقتصادی و کاهش شکاف‌های ساختاری در مناطق ساحلی چین شده است. از این منظر، جوامع محلی نه‌تنها مصرف‌کننده سیاست‌های ملی، بلکه عامل کنشگر در طراحی و اجرای مدل‌های توسعه اشتغال محسوب می‌شوند. تکمیل زنجیره‌های ارزش با مشارکت تولیدکنندگان خرد، نهادهای محلی، سرمایه‌گذاران و بازارهای منطقه‌ای، به خلق فرصت‌های شغلی پایدار منجر می‌شود و با ایجاد ساختارهای نوآورانه، بستر لازم برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را نیز فراهم می‌آورد (آسی و کیم^۱، ۲۰۲۰). افزون بر آن، تقویت پیوند میان سیاست‌های مالی کارآمد (تندنگو و همکاران^۲، ۲۰۲۲) و مدل‌های منطقه‌محور توسعه، می‌تواند از طریق تخصیص بهینه منابع عمومی، به بهبود عدالت فضایی و پایداری بلندمدت اشتغال کمک شایانی نماید. از سوی دیگر، تحقق این الگو در عمل نیازمند هم‌راستایی میان الزامات اقتصاد دیجیتال، اصول حکمرانی خوب و راهبردهای زیست‌محیطی است. پژوهش گو و سان (۲۰۲۳) بیان می‌دارد که تراکم صنعتی و خوشه‌های تولیدی اگر با سیاست‌های پشتیبان فناورانه و مقررات هوشمند زیست‌محیطی همراه شوند، موجب توسعه با کیفیت اقتصادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته خواهند شد. در عین حال، رشد شهرنشینی و نیاز به تعادل میان توسعه کشاورزی، صنعت و محیط زیست مستلزم نگاهی جامع به توسعه پایدار و اشتغال محلی است؛ نگاهی که کای و همکاران (۲۰۲۱) از آن به‌عنوان «توسعه هماهنگ زیست‌محیطی-اقتصادی» یاد کرده‌اند. توسعه زنجیره ارزش باید از بعد فضایی نیز مورد توجه قرار گیرد تا از تمرکزگرایی اقتصادی کاسته و عدالت توسعه‌ای در مقیاس جغرافیایی محقق شود. در نهایت، مدل مفهومی

¹ Osei & Kim

² Tendengu

پیشنهادی برای توسعه اشتغال پایدار با رویکرد تکمیل زنجیره ارزش، نه تنها پاسخگوی نیازهای اقتصادی امروز بلکه تضمین‌کننده تاب‌آوری اجتماعی، تعادل زیست‌محیطی و رقابت‌پذیری بلندمدت جوامع محلی در چشم‌انداز آینده خواهد بود.

مسأله اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی جوامع محلی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، همچنان یکی از چالش‌های اساسی در مسیر تحقق توسعه فراگیر و متوازن به شمار می‌رود. با وجود ظرفیت‌های بومی غنی، بسیاری از مناطق محلی با نرخ بالای بیکاری، ناکارآمدی سرمایه‌گذاری، نبود برنامه‌ریزی یکپارچه و ضعف در اتصال به بازار مواجه‌اند. پژوهش‌های گاودلی (۲۰۲۲) و چاکرابورتی (۲۰۲۳) نیز بر این واقعیت تأکید دارند که دستیابی به رشد اقتصادی پایدار بدون پیوند مؤثر میان سرمایه‌گذاری‌های مولد، مدیریت منابع محلی و سازوکارهای نهادی امکان‌پذیر نیست. در این میان، یکی از ابزارهای مغفول‌مانده و کمتر عملیاتی‌شده برای بهبود وضعیت اشتغال در مقیاس محلی، رویکرد زنجیره ارزش است؛ راهبردی که با هدف ارتقاء بهره‌وری، توانمندسازی بنگاه‌های کوچک و متوسط، و اتصال ساختارهای تولیدی محلی به بازارهای منطقه‌ای و ملی طراحی شده است (گائو و همکاران، ۲۰۲۳؛ ژو و دا، ۲۰۲۱). با این حال، بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که اغلب مطالعات موجود یا نگاهی کلان به مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی (مانند بانگا، ۲۰۱۹ و مائو، ۲۰۲۲) داشته‌اند یا صرفاً به ابعاد اقتصادی پرداخته و از مؤلفه‌های نهادی، زیست‌محیطی، فناورانه و اجتماعی غفلت کرده‌اند.

شکاف اصلی این پژوهش آنجاست که تاکنون مدلی مفهومی و بومی برای توسعه اشتغال پایدار در جوامع محلی، با تمرکز همزمان بر توانمندسازی بستر توسعه، تکمیل زنجیره ارزش، و تحقق پیامدهای پایدار طراحی و آزمون نشده است. علاوه بر آن، پیوند میان سیاست‌های مالی، زیرساخت‌های دیجیتال، نوآوری‌های فناورانه و مشارکت نهادی در سطح محلی، کمتر در یک مدل تلفیقی و آزمون‌شده مورد بررسی قرار گرفته است (شن و همکاران، ۲۰۲۲؛ آسی و کیم، ۲۰۲۰؛ گو و سان، ۲۰۲۳). نوآوری این تحقیق در طراحی و اعتبارسنجی یک مدل مفهومی سه‌لایه مبتنی بر تحلیل کیفی و کمی از پروژه‌های واقعی زنجیره ارزش در ایران

است که با نگاه سیستمی و منطقه‌محور، الگوی اثربخشی سیاست‌های توسعه اشتغال محلی را بازتعریف می‌کند.

بر این اساس، مقاله حاضر می‌کوشد با تمرکز بر اجرای ۶۰ پروژه ملی مزیت‌دار و تحلیل داده‌های مدیران و متخصصان این حوزه، مدلی جامع، قابل پیاده‌سازی و هم‌راستا با الزامات بومی را ارائه دهد؛ مدلی که نه تنها به ایجاد فرصت‌های شغلی می‌انجامد، بلکه پایداری اقتصادی، تعادل زیست‌محیطی، و تاب‌آوری اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد.

ادبیات نظری و پیشینه

توسعه اشتغال پایدار

توسعه اشتغال پایدار در جوامع روستایی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، مستلزم توجه به ظرفیت‌های بومی، منابع انسانی، و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که عوامل نهادی، اجتماعی و فرهنگی در تحقق یا عدم تحقق این نوع اشتغال نقش کلیدی دارند. بر اساس یافته‌های حیدری ساربن و وکیل (۲۰۱۳)، توانمندسازی کشاورزان از طریق آموزش، ارتقاء مهارت‌ها و ایجاد دسترسی به منابع اطلاعاتی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی آنان گردد. در این میان، نبود نهادهای میانجی کارآمد، ضعف برنامه‌ریزی مشارکتی و تمرکزگرایی سیاست‌گذاری از جمله چالش‌هایی است که به گفته کای و همکاران (۲۰۲۱) به نقل از شریف‌زادگان (۲۰۰۳) موجب کاهش اثربخشی برنامه‌های توسعه‌ای در ایران شده و در نتیجه، مانعی جدی برای تثبیت اشتغال پایدار در مناطق روستایی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، توسعه فناوری‌های نوین به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، یکی از ابزارهای نوظهور برای تقویت اشتغال روستایی در دهه اخیر بوده است. پژوهش حیدری ساربن و مجنونی توت‌تخانی (۲۰۱۷) در شهرستان مشکین‌شهر نشان داد که به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند منجر به ارتقاء ظرفیت‌های اجتماعی و دسترسی اطلاعاتی در روستاها شود، امری که زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری، توسعه بازارهای محلی و گسترش فرصت‌های شغلی متنوع‌تر در مناطق محروم خواهد بود. بر همین اساس، ایجاد زیرساخت‌های

فناورانه و آموزش محور، به‌ویژه در حوزه‌های تولید محتوای محلی، فروش اینترنتی و خدمات مجازی، از الزامات بنیادین توسعه اشتغال پایدار در مناطق دورافتاده تلقی می‌شود. این تحول فناورانه نه تنها موجب رشد اقتصادی، بلکه باعث تقویت سرمایه اجتماعی، خودباوری جمعی و پایداری کسب‌وکارها در سطح خانوارهای روستایی می‌گردد.

علاوه بر فناوری، توسعه کارآفرینی روستایی از مؤلفه‌های مهم اشتغال پایدار به‌شمار می‌رود. نتایج مطالعه حسینی‌نیا و فلاحتی (۲۰۱۷) در شهرستان منوجان نشان می‌دهد که عواملی نظیر دسترسی به منابع مالی، آموزش‌های تخصصی، حمایت‌های نهادی و باور به توانمندی‌های فردی از جمله متغیرهای کلیدی در گسترش کارآفرینی روستایی هستند. در این میان، توجه به تفاوت‌های جنسیتی نیز ضروری است؛ زیرا مطابق با یافته‌های شاه‌مرادی و همکاران (۲۰۱۹)، زنان روستایی با وجود داشتن ایده‌های کسب‌وکار نوآورانه، به دلیل محدودیت‌های فرهنگی، نبود سرمایه اولیه و ضعف زیرساخت‌های پشتیبان، کمتر توانسته‌اند در فضای کسب‌وکار نقش‌آفرینی کنند. بنابراین، ایجاد مشوق‌های جنسیتی، دسترسی عادلانه به منابع و حذف موانع نهادی می‌تواند مسیر مناسبی برای استفاده از ظرفیت نیمی از نیروی کار روستایی در مسیر اشتغال پایدار فراهم آورد.

در نهایت، رویکردهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران در تحقق توسعه اشتغال پایدار با چالش‌هایی نظیر تمرکزگرایی، عدم انطباق با نیازهای بومی و نگاه بخشی‌نگر روبه‌رو بوده‌اند. ژانگ و همکاران (۲۰۲۲) به نقل از ملاعی هشجین (۲۰۰۷) بر این نکته تأکید می‌کند که سیاست‌های توسعه روستایی نیازمند بازنگری بنیادین و حرکت به‌سوی برنامه‌ریزی مبتنی بر مشارکت و اقتضائات محلی هستند. در این راستا، نقش مهاجرت‌های فصلی به‌عنوان راهبرد مکمل معیشتی نیز باید مورد تحلیل دقیق‌تری قرار گیرد؛ چرا که مطابق با پژوهش سلمان و همکاران (۲۰۱۱)، این نوع مهاجرت‌ها گرچه موجب تنوع بخشی به درآمد خانوارها می‌شود، اما گاه با بی‌ثباتی اقتصادی، فرسایش سرمایه انسانی و تخلیه روستاها همراه است. در مقابل، اگر سیاست‌های منطقه‌ای به‌سوی تقویت زنجیره‌های محلی تولید، تنوع اقتصادی و امنیت پایدار در مناطق روستایی حرکت کنند (سیدعلی‌پور و همکاران، ۲۰۱۴)، می‌توان به

شکل‌گیری مدل‌هایی از اشتغال پایدار بومی امیدوار بود که ضمن حفظ انسجام اجتماعی، پیشران توسعه اقتصادی فراگیر در کشور نیز محسوب شوند.

پیشرفت اقتصادی جوامع محلی

پیشرفت اقتصادی جوامع محلی، به‌عنوان یکی از اهداف محوری توسعه منطقه‌ای، نیازمند توجه به بسترهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص هر منطقه است. این نوع پیشرفت هنگامی تحقق می‌یابد که منابع داخلی و ظرفیت‌های بومی به شکلی سازمان‌یافته، برنامه‌ریزی‌شده و مشارکتی به کار گرفته شوند. براساس دیدگاه راسخی، قنبری‌موحد و علی‌بیگی (۲۰۱۸)، تفاوت میان توسعه اقتصادی در مناطق شهری و روستایی به‌ویژه در حوزه کارآفرینی کشاورزی، تابعی از نحوه دسترسی به منابع، سیاست‌های حمایتی و میزان اثربخشی نهادهای محلی در بسیج سرمایه‌ها و ارتقاء مهارت‌هاست. از سوی دیگر، مفهوم توسعه محلی تنها به افزایش تولید یا رشد درآمد محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم پایداری اجتماعی، عدالت فضایی و بازتوزیع منافع در سطح جامعه است.

مطالعه مولایی هشجین (۲۰۰۷) با تأکید بر لزوم بازنگری در سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای، بر این نکته صحنه می‌گذارد که نادیده‌گرفتن ویژگی‌های جغرافیایی و فرهنگی مناطق منجر به شکست بسیاری از طرح‌های اقتصادی شده است. به‌عبارت دیگر، مدل‌های بالادستی که بدون لحاظ‌کردن اقتضائات محلی تدوین شده‌اند، نه‌تنها نتوانسته‌اند موجب رونق اقتصادی شوند، بلکه در برخی موارد سبب تضعیف سرمایه اجتماعی و مهاجرت نخبگان نیز شده‌اند. در همین راستا، استفاده از ظرفیت‌های بومی مانند منابع طبیعی، دانش محلی، هنرهای سنتی، نیروی کار خانوادگی و بازارهای منطقه‌ای، می‌تواند منجر به رشد اقتصادی مبتنی بر درون‌زایی و خوداتکایی شود. این فرآیند زمانی اثربخش خواهد بود که با سازوکارهایی نظیر تسهیل مالی، تقویت زیرساخت‌ها و آموزش مهارت‌های فناورانه همراه شود و از وابستگی کامل به سرمایه‌های بیرونی پرهیز گردد (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۲).

افزون بر این، توسعه اقتصاد محلی نیازمند ایجاد پیوند میان عناصر کلان اقتصادی و سازوکارهای خرد محلی است. یافته‌های حسینی‌نیا و فلاحی (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که توسعه کارآفرینی در مناطق محروم مستلزم فراهم‌سازی زمینه‌هایی چون آموزش، بازار فروش، حمایت از نوآوری، و دسترسی به منابع مالی پایدار است. به‌ویژه در مناطق روستایی، فقدان این عناصر موجب می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی در سطحی ابتدایی باقی مانده و توان رقابت در بازارهای وسیع‌تر را از دست بدهند. در کنار آن، باید به تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت اقتصادی نیز توجه شود؛ پژوهش شاه‌مرادی و همکاران (۲۰۱۹) حاکی از آن است که زنان روستایی با وجود توانمندی‌ها و ایده‌های نوآورانه، کمتر از مردان از منابع حمایتی بهره‌مند می‌شوند. این عدم توازن، نه تنها موجب کاهش بهره‌وری اقتصادی در سطح جامعه محلی می‌شود، بلکه شکاف‌های اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد.

در نهایت، همان‌گونه که سیدعلی‌پور، پایدار و صادقی (۲۰۱۴) تأکید کرده‌اند، تحقق اقتصاد محلی پایدار با ثبات و امنیت اجتماعی گره خورده است. توسعه اقتصادی در سطح جوامع محلی، هنگامی پایدار و اثربخش خواهد بود که با ایجاد امنیت اقتصادی، نظم اجتماعی و اعتماد نهادی همراه باشد. فقدان امنیت، چه به شکل ناامنی مالی و چه به صورت ناامنی اجتماعی، موجب کاهش مشارکت فعالانه افراد، فرار سرمایه‌ها و گسست در پیوندهای اجتماعی می‌شود. بنابراین، مدل‌های توسعه اقتصادی محلی باید بر پایه سه محور اصلی طراحی شوند: مشارکت فعال ذی‌نفعان، انطباق با ویژگی‌های بومی و تقویت نهادهای محلی. در این چارچوب، سیاست‌گذاران می‌توانند با استفاده از ابزارهایی همچون آموزش، تسهیل‌گری، نهادسازی و سرمایه‌گذاری هدفمند، زمینه را برای رشد متوازن، فراگیر و پایدار جوامع محلی فراهم آورند.

تکمیل و توسعه زنجیره ارزش

تکمیل و توسعه زنجیره ارزش به‌عنوان یک رویکرد کلیدی در ارتقاء بهره‌وری، پایداری اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، نقش مهمی در توسعه جوامع محلی و ملی ایفا

می‌کند. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، مشارکت فعال در زنجیره‌های ارزش جهانی^۱ می‌تواند فرصت‌هایی برای انتقال فناوری، افزایش کیفیت محصولات و توسعه بازارهای صادراتی فراهم کند (اپد و وانگ^۲، ۲۰۲۲). بر اساس یافته‌های شو و استینوندر^۳ (۲۰۱۹)، آزادسازی تجاری منجر به افزایش بهره‌وری و نوآوری در بنگاه‌ها می‌شود، به‌ویژه زمانی که این بنگاه‌ها در شبکه‌های بین‌المللی زنجیره ارزش ادغام می‌گردند. توسعه این زنجیره‌ها در صورتی اثربخش خواهد بود که شامل پیوندهای مؤثر میان تولیدکنندگان خرد، واحدهای فرآوری، توزیع‌کنندگان، بازارهای مصرف و همچنین نهادهای پشتیبان مانند تأمین‌کنندگان مالی و آموزش‌های فنی باشد. در این راستا، زنجیره ارزش به‌عنوان بستری برای توانمندسازی بنگاه‌ها و ارتقاء تاب‌آوری اقتصادی آن‌ها در برابر نوسانات بازار جهانی عمل می‌کند.

از سوی دیگر، ارتباط مؤثر بنگاه‌های کوچک و متوسط با زنجیره‌های ارزش جهانی مستلزم زیرساخت‌های فناورانه، پایداری زیست‌محیطی و سیاست‌های حمایتی مشخص است. شواهد نشان می‌دهد که مشارکت در GVCs می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا را به همراه داشته باشد، اما با مداخلات هوشمندانه و نوآوری سبز می‌توان این اثرات منفی را کاهش داد (یائه و همکاران^۴، ۲۰۲۲). برای مثال، سازوکارهای بازارمحور نظیر طرح تجارت انتشار کربن، نقش قابل‌توجهی در ارتقاء نوآوری‌های فناورانه سبز ایفا کرده‌اند (ژو و وانگ^۵، ۲۰۲۲). همچنین، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری از جمله توسعه پهنای باند شهری، می‌تواند بهره‌وری انرژی را افزایش داده و بستر بهتری برای توسعه زنجیره‌های ارزش فناورمحور فراهم آورد (ون و همکاران^۶، ۲۰۲۲). این یافته‌ها تأکید می‌کنند که تکمیل زنجیره

^۱ GVCs

^۲ Epede & Wang

^۳ Shu & Steinwender

^۴ Yue et al

^۵ Zhou & Wang

^۶ Wen, Liang & Lee

ارزش نه تنها موضوعی اقتصادی، بلکه دارای ابعاد زیست محیطی و فناورانه‌ای است که باید در چارچوب سیاست‌گذاری کلان مدنظر قرار گیرد.

در زمینه بهره‌وری بنگاه‌ها نیز، شواهد نشان می‌دهد که افزایش بهره‌وری انرژی و بهره‌برداری کارآمد از منابع می‌تواند به افزایش پایداری و کاهش هزینه‌های زنجیره ارزش کمک کند (مونتالبانو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). افزون بر این، اقدامات سیاستی کشورهایمانند آلمان در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، اثرات مثبتی بر کشورهای دیگر از طریق سرریزهای فناورانه و زیست محیطی داشته‌اند (آپرل و کاسچ^۲، ۲۰۲۲). این امر نشان می‌دهد که یکپارچه‌سازی سیاست‌های انرژی و تولید در سطح زنجیره ارزش می‌تواند مزایای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به همراه داشته باشد. در چنین شرایطی، حمایت از شرکت‌های نوپا و بنگاه‌های کوچک از طریق ارائه تسهیلات مالی، کاهش عدم قطعیت‌های سیاستی و ترویج توسعه پایدار می‌تواند مشارکت فعال‌تری از این گروه‌ها را در زنجیره‌های ارزش جهانی تضمین کند (ژو و ون، ۲۰۲۲).

در نهایت، رقابت‌پذیری پایدار بنگاه‌ها در زنجیره‌های ارزش نیازمند کاهش شدت انرژی، بهینه‌سازی سرمایه‌گذاری‌ها و بهره‌گیری از فناوری‌های کم‌کربن است. تحقیقات ون و همکاران (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که شهرهای کم‌کربن و زیرساخت‌های محیط‌زیستی مؤثر می‌توانند شرایط تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بنگاه‌های انرژی‌بر را بهبود بخشند و آن‌ها را به سمت افزایش بهره‌وری کل سوق دهند. در همین راستا، فشار رقابتی از سوی بخش غیررسمی نیز می‌تواند موجب کارآمدتر شدن صنایع رسمی شود، مشروط بر آنکه این فشار در قالب مقررات مؤثر و شفاف هدایت شود (ون^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، تکمیل و توسعه زنجیره ارزش، فرایندی پیچیده اما راهبردی است که نیازمند هماهنگی سیاستی، تقویت ظرفیت

¹ Montalbano, Nenci & Vurchio

² Abrell & Kosch

³ Wen, Li & Lee

نهادی، و هم‌افزایی میان عوامل اقتصادی، فناوریانه و زیست‌محیطی در سطوح مختلف ملی و فراملی است.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش با هدف تبیین پیوند میان توسعه زنجیره ارزش، بهره‌وری کل عوامل، و کارایی انرژی در بستر رشد اقتصادی و سیاست‌گذاری محیط‌زیستی، از مجموعه‌ای از نظریه‌ها و شواهد تجربی بهره می‌گیرد که عناصر کلیدی آن شامل کارایی انرژی، مشارکت در زنجیره‌های ارزش جهانی (GVCs)، فساد اداری، سرمایه انسانی و زیرساخت‌های دیجیتال می‌باشد.

در این چارچوب، "کارایی انرژی کل عوامل سبز"^۱ به‌عنوان متغیر مرکزی در نظر گرفته شده که تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و نهادی قرار دارد. به‌طور خاص، یافته‌هایهائو و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که ناکارایی تخصیص منابع و فساد دولتی از طریق کاهش بهره‌وری و اختلال در انگیزه‌های تولیدی، باعث افت GTFEE می‌شوند. این در حالی است که سرمایه‌گذاری در شهرهای کم‌کربن می‌تواند با بهبود سازوکارهای مالی و افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری، نقش مثبت و معناداری در افزایش بهره‌وری کل بنگاه‌های انرژی بر ایفا کند (ون و همکاران، ۲۰۲۳).

در ادامه، چارچوب نظری به نقش زنجیره‌های ارزش جهانی در ارتقاء بهره‌وری کل می‌پردازد. پژوهش بانگا (۲۰۲۲) در زمینه صنایع تولیدی هند نشان داده است که مشارکت در زنجیره‌های ارزش نه‌تنها موجب افزایش بهره‌وری کل عوامل (TFP) می‌شود، بلکه از طریق دسترسی به فناوری‌های پیشرفته‌تر و یادگیری ضمنی، بنگاه‌ها را به سمت تولید پاک‌تر هدایت می‌کند. تحلیل غیرخطی رشد اقتصادی نیز نشان می‌دهد که GVCs تنها در صورتی

^۱ Green Total Factor Energy Efficiency - GTFEE

^۲ Hao et al

منجر به رشد پایدار خواهند شد که سطح بلوغ نهادی و ظرفیت فناوریانه کشور در حد قابل قبولی باشد (مائو، ۲۰۲۲).

این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که در حلقه‌های پایین‌دست زنجیره جهانی قرار دارند، حائز اهمیت است.

همچنین، بر اساس یافته‌های یانگ و همکاران (۲۰۲۲)، جایگاه بنگاه‌ها در زنجیره ارزش جهانی می‌تواند نقش مؤثری در جهت‌گیری پیشرفت فناوریانه انرژی‌محور ایفا کند؛ به‌ویژه اگر این جایگاه با سیاست‌های ملی در حوزه بهره‌وری انرژی همراستا باشد. افزون بر این، زیرساخت‌های دیجیتال از جمله توسعه پهنای باند نیز به‌عنوان یک عامل میانجی در چارچوب نظری حاضر تلقی می‌شود. ژو و همکاران^۱ (۲۰۲۲) نشان دادند که گسترش زیرساخت‌های ارتباطی، ضمن تسهیل فرآیندهای تولیدی و تجاری، موجب بهبود صادرات و در نتیجه ارتقاء پیوندهای بین‌المللی در زنجیره ارزش می‌شود. در عین حال، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و سیاست‌های ارتقاء کارایی انرژی از طریق شبکه‌های منطقه‌ای، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط^۲، موانع ساختاری در مسیر کارایی را کاهش می‌دهد (جالو و همکاران^۳، ۲۰۲۱). این سیاست‌ها می‌توانند ظرفیت این بنگاه‌ها را برای جذب فناوری‌های نوین و پاسخگویی به تقاضای بازارهای جهانی افزایش دهند، به‌ویژه زمانی که با حمایت‌های آموزشی و توسعه سرمایه انسانی همراه باشد (چن و همکاران، ۲۰۲۱).

در بخش نهایی چارچوب نظری، بر هم‌افزایی میان سیاست‌های کربنی و سرمایه‌گذاری‌های فناوریانه در مسیر رشد پایدار تأکید می‌شود. شواهد تجربی از چین نشان می‌دهد که تنوع در سیاست‌های کربنی و سطح تعهد صادراتی صنایع، نقش کلیدی در تعیین شدت انرژی و سطح انتشار کربن ایفا می‌کند (یان و همکاران، ۲۰۲۰). در همین راستا، همگرایی مصرف انرژی جهانی در حال افزایش است و تفاوت‌های بین‌المللی در الگوی مصرف انرژی در حال

¹ Zhou, Wen & Lee

² SMEs

³ Jalo et al

کاهش می‌باشد (لیو و لی، ۲۰۲۰)، که این امر فضای هم‌گرایی سیاستی و فناوریانه را در سطح بین‌المللی فراهم می‌سازد.

همچنین، در پژوهش آدبایو و یولا^۱ (۲۰۲۴)، مشخص شده است که ترکیب استفاده از انرژی تجدیدپذیر، افزایش بهره‌وری انرژی و کنترل روند شهرنشینی می‌تواند مسیر قابل اتکایی برای کاهش انتشار CO₂ و دستیابی به توسعه پایدار فراهم آورد. بنابراین، چارچوب نظری این پژوهش از یک رویکرد چندبعدی بهره می‌گیرد که تلفیقی از عوامل نهادی، فناوریانه، زیست‌محیطی و بین‌المللی را در تعامل با یکدیگر برای تبیین توسعه پایدار و بهره‌وری کل تبیین می‌کند.

معرفی مورد مطالعه پژوهش

بنیاد علوی در راستای توسعه اشتغال پایدار و بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای، طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ اقدام به اجرای پروژه‌های زنجیره ارزش در قالب طرح ملی اشتغال حامی نمود. این طرح بر پایه مزیت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی مناطق و رسته‌های شغلی اولویت‌دار در سراسر کشور طراحی و پیاده‌سازی شد. مدل اشتغال حامی با شناسایی فعالان حوزه‌های شغلی، راهبران بازار، پیمانکاران و متخصصین کسب‌وکار، بستری منسجم برای توسعه زنجیره ارزش محصولات مختلف ایجاد کرد که تمامی حلقه‌های زنجیره ارزش در آن به‌صورت یکپارچه دیده شده و برای آن برنامه‌ریزی شده بود.

در این مدل، متخصصین کسب‌وکار در رسته‌های شغلی تعریف شده به کار گرفته شدند تا از طریق شبکه‌سازی، آموزش و توانمندسازی، زمینه رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری را در مناطق کمتر برخوردار فراهم کنند. این متخصصان نقش کلیدی در شبکه‌سازی، آموزش و توانمندسازی جوامع محلی و ایجاد پیوندهای مؤثر میان تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان مواد اولیه، فرآوری‌کنندگان و بازارهای مصرف ایفا کردند. ایجاد ارتباط منسجم میان حلقه‌های

¹ Adebayo & Ullah

مختلف زنجیره ارزش، افزایش عملکرد تولید، بهبود کیفیت محصولات و تسهیل فرآیند بازاریابی و فروش در سطح ملی و بین‌المللی از مهم‌ترین اهداف پروژه‌های مذکور بوده است. یکی از ویژگی‌های بارز این مدل، رویکرد شبکه‌محور آن بوده که امکان تبادل اطلاعات و دانش میان ذی‌نفعان مختلف را فراهم می‌کند. این امر باعث افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید شغلی در مناطق کمتر توسعه‌یافته شد. با اجرای این طرح، بسیاری از کارآفرینان محلی توانستند از حمایت‌های فنی، مالی و آموزشی بهره‌مند شوند و زنجیره ارزش محصولات منطقه‌ای خود را تقویت کنند. همچنین، با بهره‌گیری از تجربه و دانش متخصصان حوزه کسب‌وکار، استانداردهای تولید ارتقا یافته و محصولات منطقه‌ای به بازارهای گسترده‌تری معرفی شدند.

برنامه‌های اجرایی این مدل شامل توسعه زیرساخت‌های تولید و فرآوری، ارائه آموزش‌های تخصصی به تولیدکنندگان، ایجاد شبکه‌های توزیع و بازاریابی، حمایت‌های اعتباری و فنی و همچنین معرفی فناوری‌های نوین در فرآوری و بسته‌بندی محصولات بود. این اقدامات، علاوه بر تقویت بنیه اقتصادی مناطق محروم، منجر به بهبود کیفیت زندگی ساکنان این مناطق و کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها شد. در نهایت، مدل اشتغال حامی با تلفیق دانش تخصصی، سرمایه‌گذاری هدفمند و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی، توانست نمونه موفق‌تری از توسعه پایدار و اشتغال‌زایی در کشور ارائه دهد. این مدل می‌تواند به‌عنوان الگوی موفق‌تری برای سایر برنامه‌های توسعه‌ای در کشور مورد استفاده قرار گیرد و نقش مؤثری در تحقق اقتصاد مقاومتی و خودکفایی ملی ایفا کند.

دستاوردهای مدل اشتغال حامی

- ایجاد و پایدارسازی بیش از ۴۰۰۰۰ اشتغال در سطح کشور با محوریت مناطق محروم
- تشکیل حدود ۱۵ کارگروه نخبگی در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف شغلی با حضور صاحب نظران و متولیان اصلی مربوطه و احصا و جمع‌بندی مطالعات و پروپزال‌ها و ساختارهای شکست در تمامی موارد

- تعریف ۶۲ پروژه در دو فاز (فاز اول ۳۰ پروژه و فاز دوم ۳۱ پروژه) و در ۳ سطح ملی (مگا پروژه)، استانی و شهرستانی با هدف اشتغال زایی برای دهک‌های ضعیف در کل کشور و مناطق هدف
- تشکیل حدود ۷۶۰ شبکه شغلی با سرانه حدود ۱۵ نفری در سال ۱۴۰۱ در قالب ۳۰ پروژه و ۲۰ رسته
- راه اندازی سامانه پروژه های حامی به منظور کنترل پروژه و رصد تمامی اتفاقات ، بررسی اسناد بارگزاری شده توسط پیمانکاران، ناظرین و نمایندگان کارفرما (مدیران مناطق) و خروجی آنلاین صورت وضعیت
- به کارگیری و توانمندسازی بیش از ۱۶۰ BDS (خدمات دهندگان توسعه کسب و کار تخصصی) در حوزه های مختلف در کشور

روش شناسی تحقیق

به طور کلی روش های تحقیق در علوم رفتاری را می توان با توجه به دو ملاک هدف تحقیق و نحوه گردآوری داده ها، طبقه بندی نمود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. این پژوهش توصیفی است، زیرا هدف آن توصیف عینی، واقعی و منظم حوادث، رویدادها و موضوعات مرتبط با حیطه پژوهش است. تحقیق توصیفی تحقیقی است که هدف آنها توصیف شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. این تحقیق از جمله تحقیقات کاربردی بوده که برای اقتصاد پایدار طراحی شده است. از لحاظ عدم دسترسی به آزمایشگاه نیز در زمره تحقیقات توصیفی می باشد. از حیث ماهیت تحقیق نیز منجمله تحقیقات ارزیابی بشمار می رود. اطلاعات و داده های مورد نیاز در این تحقیق به دو روش زیر گردآوری می شود:

۱. روش کتابخانه ای: در بخش گردآوری اطلاعات اطلاعات مورد نیاز جهت تدوین مبانی نظری تحقیق که مرحله مهمی از یک کار تحقیقاتی را شامل می شود، با مراجعه به مراکز مختلف دانشگاهی، تحقیقاتی و با مطالعه نشریات معتبر علمی داخلی و خارجی و مجموعه مقالات موجود و گزارشات و نتایج مطالعات طرح ها و پروژه ها و سوابق تحقیقات صورت گرفته

مورد بازبینی قرار خواهد گرفت. همچنین با استفاده از شبکه اینترنت و مراجعه به سایت‌های مرتبط مطالب مورد نظر استخراج و استفاده خواهد شد.

۲. **بخش میدانی:** در بخش میدانی تحقیق، از طریق توزیع پرسشنامه و مصاحبه داده‌های مربوط به مدل تحقیق گردآوری می‌شود. جامعه آماری بخش کیفی تحقیق شامل ۲۰ نفر از مدیران توسعه اشتغال و کارآفرینی نهادها و سازمان‌های متولی ایجاد اشتغال در کشور بودند. جامعه آماری بخش کمی تحقیق شامل ۱۲۰ نفر از BDSp های تخصصی فعال در پروژه‌های زنجیره ارزش بودند که از نمونه‌گیری اجتناب شده و سرشماری شده است. جهت تجزیه تحلیل اطلاعات در بخش کیفی از تکنیک تحلیل محتوا و در بخش کمی از مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آنجاکه هدف این پژوهش تدوین مدل توسعه اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی جوامع محلی با رویکرد تکمیل و توسعه زنجیره ارزش است، تجزیه و تحلیل یافته‌ها بصورت تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی انجام می‌شود. در واقع متغیرهای مورد نیاز مدل پژوهش از مصاحبه‌ها استخراج شده و روابط بین آنها تعیین می‌گردد. در راستای تحلیل داده‌ها، ابتدا روایی پژوهش مطابق روش لینکلن و گوبا (۱۹۸۰) و پایایی پژوهش براساس روش توافق درونی بررسی شده، سپس آمار توصیفی مصاحبه‌شوندگان ارائه گردیده و سپس به تحلیل داده‌ها، جهت استخراج کدها و مقوله‌ها و روابط بین آنها در نرم افزار مکس کیودا پرداخته شده است. در پژوهش حاضر جهت بررسی روایی پژوهش از روش لینکلن و گوبا (۱۹۸۰) که بر اساس چهار عنصر قابلیت انتقال، قابلیت اعتبار، قابلیت اعتماد و قابلیت تایید شکل گرفته و روایی ابزار را تایید نمود، استفاده گردید.

جدول (۱): روایی پژوهش طبق روش لینکلن و گوبا (۱۹۸۰)

شاخص	فرایند
قابلیت انتقال ^۱	نظرسنجی از خبرگانی که در تحقیق حاضر شرکت نداشتند.

^۱ Transferability

قابلیت اعتبار ^۱	صرف زمان کافی برای پژوهش و تایید داده‌های مصاحبه توسط مصاحبه شوندگان.
قابلیت تایید ^۲	مستندسازی و رعایت همه گامهای طی شده در پژوهش و مستندات در فرایندهای پژوهش.
قابلیت اعتماد ^۳	ثبت تمام جزئیات و یادداشت همه موارد در مرحله مصاحبه و انجام آن.

جهت ارزیابی پایایی پژوهش از دو نفر که خارج از موضوع پژوهش بودند، پس از توضیحات و آموزشهای لازم درخواست شد که ۵ مورد از مصاحبه‌ها را کدگذاری نمایند تا بتوان میزان پایایی را اندازه گیری و مقایسه نمود.

جدول (۲) پایایی پژوهش با روش میزان اتفاق درونی

مصاحبه	تعداد کد استخراج شده از مصاحبه	تعداد توافقات	درصد اتفاق نظر یا پایایی آزمون
مصاحبه ۱	۴۳	۳۷	٪۸۶،۰۵
مصاحبه ۴	۵۱	۴۲	٪۸۲،۴
مصاحبه ۵	۳۷	۳۰	٪۸۱،۱
مصاحبه ۹	۳۴	۲۵	٪۷۳،۵۳
مصاحبه ۱۱	۲۸	۲۳	٪۸۲،۱

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، میزان توافق درونی برای ۵ مصاحبه بالاتر از ۷۰ درصد می‌باشد که نشان دهنده پایایی قابل قبول برای مصاحبه‌های انجام شده و کدهای استخراجی توسط محقق می‌باشد. به منظور استخراج متغیرهای مورد نیاز مدل پژوهش در حل مسائل حوزه کاری خبرگان، روش‌های متعددی به کار گرفته می‌شود. این روش‌ها می‌توانند به طرق گوناگون دسته بندی شوند. یک طریقه رایج، دسته بندی این روش‌ها بر اساس نحوه دریافت دانش از خبره است. بر این اساس دو دسته ی استخراج مستقیم و استخراج غیرمستقیم دانش مطرح می گردد. روش های مستقیم، به طور مستقیم به درخواست توضیح

¹ Credibility

² Confirmation

³ Reliability

از خبره در رابطه با چگونگی انجام کار می پردازند. شرط لازم برای اینکه این روش ها به موفقیت دست یابند این است که خبره به اندازه کافی توانایی و رضایت برای به اشتراک گذاری دانش خود داشته باشد. در این روش اطلاعات به سهولت توسط خبره بیان می شوند، البته به غیر از مواردی که خبره به قدری فعالیت مورد نظر را تکرار کرده است که اطلاعات راجع به آن برای خبره بدیهی به نظر می رسند. روش های غیرمستقیم به منظور دست یابی به اطلاعاتی که کار گرفته می شوند که به راحتی توسط خبره قابل بیان نیستند. البته دسته بندی روش ها علاوه بر نحوه تعامل با خبره، بر اساس نوع اطلاعاتی که به دست می دهند نیز صورت می گیرد، که در این بخش به آنها اشاره خواهد شد. در این پژوهش از روش مستقیم استفاده شده است و پس از انجام مصاحبه برای درک و استخراج متغیرهای مورد نیاز پژوهش این مفاهیم ابتدا کدگذاری باز، سپس مقوله بندی شده و در نهایت کدگذاری محوری جهت استخراج الگوی پژوهش انجام شده است. با بررسی داده های مصاحبه، استخراج سایر مفاهیم نیز به همین ترتیب صورت گرفته است. این فرایند در جدول (۳) به طور کامل نشان داده شده است.

جدول (۳) فرایند کدگذاری باز مصاحبه با خبرگان

مولفه های مدل	زیرمولفه ها
زیرساخت های محلی و نهادی	(راه ها، برق، اینترنت، آموزش فنی، نهادهای پشتیبان)
سرمایه انسانی و توانمندسازی جوامع	(آموزش مهارتی، دانش زنجیره ارزش، کارآفرینی)
تکمیل و توسعه زنجیره ارزش محلی	(فرآوری، بسته بندی، بازاریابی، اتصال به بازارها)
نوآوری و فناوری بومی	(کاربرد فناوری در تولید و فروش، بهبود بهره وری)
سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی	(همکاری درون گروهی، اعتماد، شبکه های اجتماعی محلی)
سیاست ها و حمایت های دولت	(مشوق ها، یارانه ها، تسهیل صادرات، حمایت قانونی)
توسعه اشتغال پایدار	(اشتغال محلی پایدار، کاهش مهاجرت، اشتغال مولد)
پیشرفت اقتصادی جوامع محلی	(افزایش درآمد، تنوع فعالیت های اقتصادی، رشد رفاه)

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می شود، تعدادی مضمون فرعی از دل مصاحبه ها شناسایی شدند.

مرحله بعد از شناسایی و استخراج کدها از مصاحبه‌ها، نوبت به تعیین مقوله‌ها و جمع‌بندی مفاهیم می‌رسد. در این بخش با توجه به مفاهیم کدها، مقوله‌ها یا ابعاد اصلی مدل تعیین گردیده است.

جدول (۴) مفاهیم و مضمون‌های به دست آمده از داده‌های کیفی

متغیر اصلی	مولفه‌های زیرمجموعه
توانمندسازی بستر توسعه محلی	زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی
توسعه ظرفیت‌های اقتصادی مبتنی بر زنجیره ارزش	زنجیره ارزش، نوآوری و فناوری، سیاست‌ها و حمایت‌های دولت
پیامدهای توسعه‌ای و پایداری اقتصادی	اشتغال پایدار، پیشرفت اقتصادی جوامع

در جدول (۴) نتایج تبدیل کدهای مفهومی به مضمون که در واقع به عنوان شاخص هم در مدل ذکر شده است.



نمودار (۱) شبکه مفاهیم و مضمون‌های نهایی

تحقق کفایت نظری

فرایند جمع‌آوری داده‌ها تا جایی ادامه پیدا می‌کند که محقق در داده‌ها به مرز اشباع برسد و مفاهیم مرتبط با پدیده مورد نظر که توسط مصاحبه‌شوندگان مختلف مطرح می‌شوند تکراری شده و مطلب جدیدی به مدل اضافه نشود. جدول (۵) چگونگی تحقق این معیار در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد:

جدول (۵) چگونگی تحقق کفایت نظری

مصاحبه	فراوانی کدهای باز	تعداد مفاهیم	تکمیل مفاهیم قبلی	ظهور مقولات جدید	تکمیل مقولات قبلی
توانمندسازی بستر توسعه محلی	۸۳	۴۵	-	۱۱	-
توسعه ظرفیت‌های اقتصادی مبتنی بر زنجیره ارزش	۶۲	۶۱	۱۶	۳	۲
پیامدهای توسعه‌ای و پایداری اقتصادی	۶۹	۶۷	۶		۱

در ادامه جهت رتبه بندی از تکنیک فرایند تحلیل سلسله مراتبی فازی استفاده شده که نتایج آن در ادامه آورده شده است:

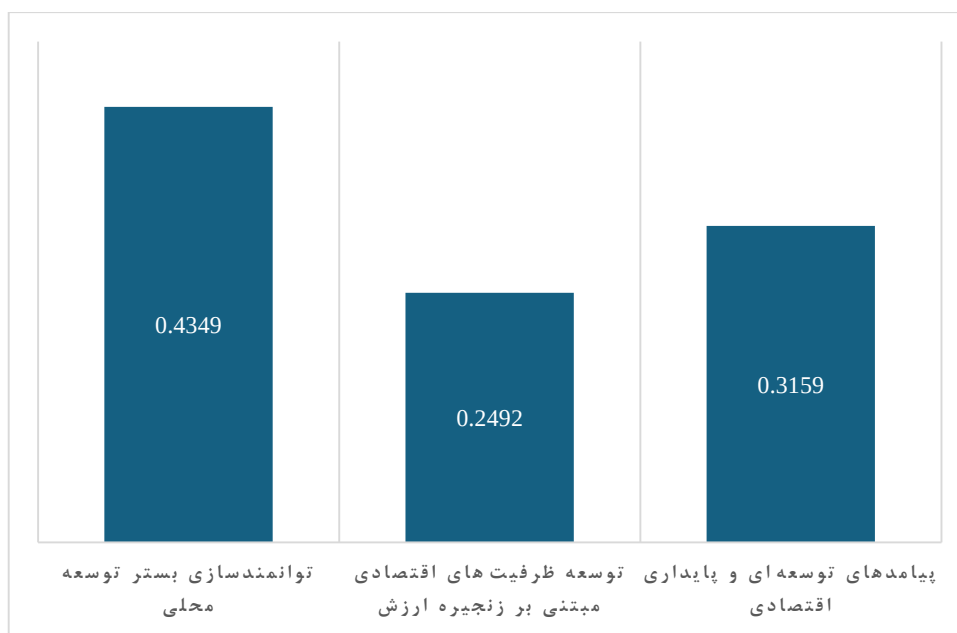
پس از آنکه جدول مقایسات زوجی با اعداد مثلثی فازی تشکیل شد، با استفاده از روش EA، نسبت بزرگی شاخصها نسبت به هم محاسبه شده و بر اساس آن نیز وزن غیر بهنجار (w') هر شاخص بدست آمده است. اوزان غیر بهنجار، هنجار شده و اوزان بهنجار (W) حاصل شده است. نحوه انجام محاسبات در زیر آمده است :

جدول (۶) ماتریس تصمیم فازی

							L	M	U
S1	17.000	25.000	33.000	0.007	0.008	0.012	0.118	0.212	0.393
S2	21.000	29.000	37.000	0.007	0.008	0.012	0.146	0.246	0.440
S3	19.000	27.000	33.000	0.007	0.008	0.012	0.132	0.229	0.393

جدول (۷) نتایج اوزان شاخص

	w1	w2	w3
w	0.4349	0.2492	0.3159



شکل (۱) اولویت بندی متغیرهای شاخص های منابع انسانی

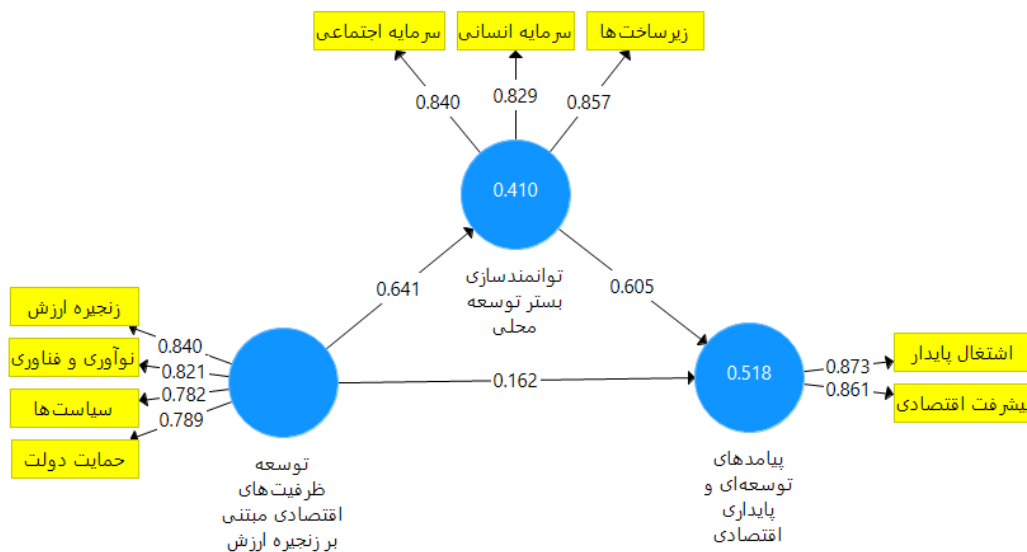
جدول (۸) اولویت بندی متغیرهای اصلی

اولویت	وزن	معیار	ردیف
۳	۰/۴۳۴۹	توانمندسازی بستر توسعه محلی	۱
۱	۰/۲۴۹۲	توسعه ظرفیت های اقتصادی مبتنی بر زنجیره ارزش	۲
۲	۰/۳۱۵۹	پیامدهای توسعه ای و پایداری اقتصادی	۳

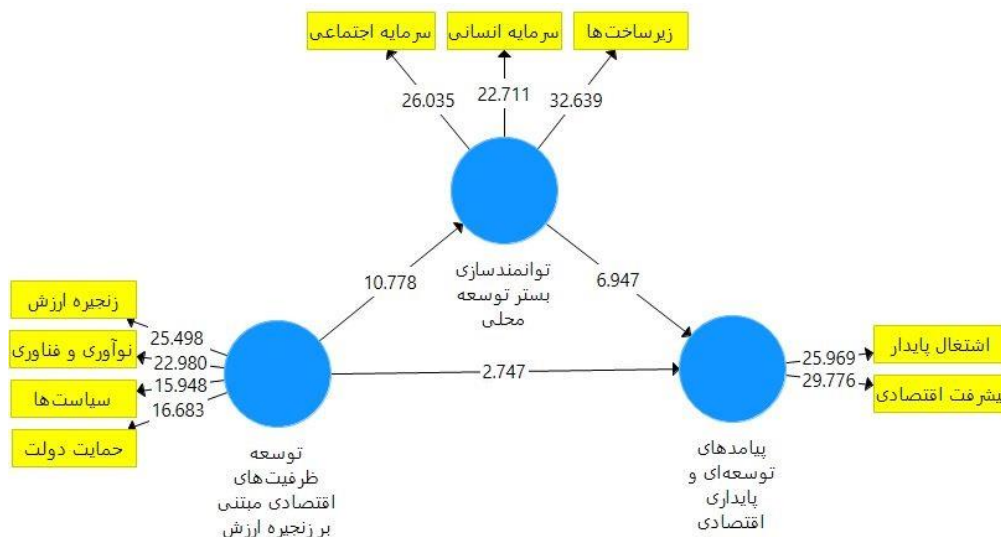
با توجه به جدول (۸) ملاحظه می گردد با توجه به وزن اصلی بدست آمده بترتیب شاخص های توسعه ظرفیت های اقتصادی مبتنی بر زنجیره ارزش، پیامدهای توسعه ای و پایداری اقتصادی و توانمندسازی بستر توسعه محلی از بیشترین و کمترین اهمیت در گروه برخوردار هستند.

مدلسازی معادلات ساختاری

در این مرحله اندازه گیری به منظور ارزیابی مدل مفهومی تحقیق و همچنین اطمینان یافتن از وجود یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای تحقیق و بررسی تناسب داده های مشاهده شده با مدل مفهومی تحقیق، مدل تحقیق با استفاده از مدل معادلات ساختاری نیز آزمون شدند. نتایج آزمون مدل در نمودار منعکس شده اند.



نمودار (۲) اندازه گیری مدل کلی در حالت استاندارد



نمودار (۳) اندازه گیری مدل کلی در حالت معنی دار

جهت سنجش پایایی از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده و جهت سنجش روایی از روایی همگرا استفاده شده و جهت سنجش برازش مدل از شاخص GOF استفاده شده است:

جدول (۹) پایایی و روایی مدل های بیرونی

متغیر*	CR	AVE	MSV	ماتریس فورنل و لارکر		
				۱	۲	۳
توانمندسازی بستر توسعه محلی	۰.۷۸۷	۰.۵۵۲	۰.۱۹۳	۰.۷۴۳		
توسعه ظرفیت های اقتصادی مبتنی بر زنجیره ارزش	۰.۸۴۴	۰.۶۴۴	۰.۴۷۸	۰.۳۴۲	۰.۸۰۳	
پیامدهای توسعه ای و پایداری اقتصادی	۰.۹۱۸	۰.۶۵۱	۰.۴۲۳	۰.۳۳۱	۰.۴۷	۰.۸۰۷

مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، نشانگر پایایی قابل قبول است.

مقدار CR برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل اندازه گیری دارد.

مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرایی قابل قبول را نشان می دهد.

با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاصل شدن ۰/۶۲ نشان از برازش قوی مدل دارد.

نتیجه گیری

در این پژوهش، با هدف طراحی مدل مفهومی توسعه اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی جوامع محلی با رویکرد تکمیل و توسعه زنجیره ارزش، ابتدا با استفاده از روش کیفی و تحلیل محتوای مصاحبه های انجام شده با مدیران حوزه اشتغال و توسعه محلی، ابعاد و مؤلفه های اصلی مدل شناسایی شد. تحلیل ها نشان داد که مؤلفه هایی نظیر زیرساخت های محلی، توانمندسازی سرمایه انسانی، مشارکت مردمی، سیاست های حمایتی، نوآوری و فناوری، حلقه های مختلف زنجیره ارزش و پیامدهایی چون اشتغال پایدار و رفاه اقتصادی به عنوان

اجزای اساسی مدل قابل شناسایی و تفکیک هستند. سپس این مؤلفه‌ها در قالب سه متغیر اصلی «توانمندسازی بستر توسعه محلی»، «توسعه ظرفیت‌های اقتصادی مبتنی بر زنجیره ارزش»، و «پیامدهای توسعه‌ای و پایداری اقتصادی» تلفیق گردید و روابط میان آن‌ها در قالب یک مدل مفهومی پیشنهادی ترسیم شد. در مرحله کمی، با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری و داده‌های گردآوری شده از ۱۲۰ نفر از متخصصان پروژه‌های زنجیره ارزش، مدل پیشنهادی آزمون شد. نتایج نشان داد که رابطه میان متغیر توانمندسازی بستر توسعه محلی و توسعه ظرفیت‌های زنجیره‌ای اقتصادی مثبت و معنادار است، به‌طوری که هرگونه بهبود در زیرساخت، سرمایه انسانی، یا تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه، زمینه‌ساز تقویت زنجیره ارزش در آن منطقه می‌شود. همچنین توسعه زنجیره ارزش به‌طور مستقیم منجر به بهبود اشتغال محلی و ارتقاء رفاه اقتصادی جوامع شده است. این نتایج نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری در عوامل زیرساختی، انسانی و نهادی، پیش‌نیاز تحقق زنجیره ارزش موفق و پایدار به‌شمار می‌رود. بحث اصلی در این پژوهش آن است که توسعه اشتغال در مناطق محلی صرفاً با ایجاد فرصت‌های شغلی ممکن نیست، بلکه باید آن را به توسعه ظرفیت‌های درونی، مشارکت‌محور و فناورانه پیوند زد. تکمیل و توسعه زنجیره ارزش تنها در صورتی اثربخش خواهد بود که بر بنیان توانمندی‌های انسانی و نهادی استوار باشد. همچنین، نقش حمایت‌های دولتی و سیاست‌گذاری‌های هدفمند، به‌ویژه در اتصال حلقه‌های زنجیره به بازار و ایجاد زیرساخت‌های مکمل، بسیار برجسته و تعیین‌کننده است. از سوی دیگر، نوآوری بومی و استفاده از فناوری‌های متناسب با ظرفیت جوامع محلی، موجب افزایش بهره‌وری و پایداری اقتصادی پروژه‌ها می‌شود، که این امر در پژوهش حاضر به‌خوبی تأیید گردید. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که مدل طراحی‌شده در این پژوهش، از قابلیت تبیین مطلوبی برای فرآیند توسعه اشتغال پایدار برخوردار است و می‌تواند در سطوح مختلف تصمیم‌گیری به‌ویژه در سیاست‌گذاری‌های توسعه منطقه‌ای، طراحی پروژه‌های زنجیره ارزش و برنامه‌ریزی‌های نهادهای دولتی و غیردولتی مورد استفاده قرار گیرد. این مدل از آن جهت حائز اهمیت است که به جای تمرکز صرف بر خروجی (اشتغال)، بر فرآیندهای زیرساختی و بسترساز توسعه

اشتغال پایدار تأکید دارد و نقش عوامل میانجی مانند نوآوری، مشارکت و حمایت نهادی را به عنوان عناصر کلیدی مورد توجه قرار می دهد. از این رو، اجرای مداخلاتی منطبق بر این چارچوب می تواند موجب اثربخشی بیشتر طرح های توسعه محلی و پایداری نتایج حاصل از آن شود. بر اساس یافته های پژوهش حاضر که به طراحی مدل مفهومی توسعه اشتغال پایدار و پیشرفت اقتصادی جوامع محلی با رویکرد زنجیره ارزش پرداخته است، می توان آن را در پیوند و مقایسه با مطالعات پیشین مورد بحث قرار داد. نتایج این تحقیق نشان داد که توسعه اشتغال پایدار در جوامع محلی، در گرو توانمندسازی زیرساختی، انسانی و نهادی، و همچنین تقویت حلقه های زنجیره ارزش با محوریت نوآوری، مشارکت مردمی و سیاست گذاری حمایتی است. این یافته ها با مطالعاتی نظیر پژوهش بانگا (۲۰۲۲) همراستا است که نشان می دهد مشارکت فعال در زنجیره های ارزش جهانی، از طریق انتقال فناوری های نو و یادگیری ضمنی، می تواند به ارتقاء بهره وری کل عوامل منجر شود. همچنین پژوهش حاضر بر اهمیت سرمایه گذاری بر ظرفیت های انسانی و فناورانه تأکید دارد، موضوعی که در مطالعات ژو و همکاران (۲۰۲۲) و چن و همکاران (۲۰۲۱) نیز مطرح شده و نقش زیرساخت های دیجیتال و آموزش در تسهیل فرآیندهای زنجیره ارزش و ارتقاء سطح رقابت پذیری بنگاه های محلی برجسته شده است. از سوی دیگر، نتایج این تحقیق که بر ضرورت پیوند اشتغال با توسعه درونزا، حمایت های دولتی، و استفاده از فناوری های بومی تأکید دارد، با شواهد ارائه شده در مطالعات یانگ و همکاران (۲۰۲۲) و ون و همکاران (۲۰۲۳) سازگاری دارد؛ آنجا که اثبات شده است سیاست گذاری هوشمندانه، به ویژه در حوزه انرژی و بهره وری، می تواند از طریق نهادینه سازی نوآوری و بهبود حکمرانی، منجر به کارایی بالاتر و رشد پایدار گردد. مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش که بر تعامل میان سه مؤلفه اصلی «توانمندسازی بستر توسعه»، «ظرفیت سازی زنجیره ای اقتصادی» و «پیامدهای توسعه ای» تأکید دارد، همسو با چارچوب نظری چندبعدی مطرح شده در مطالعات اخیر است که توسعه پایدار را محصول هم افزایی عوامل نهادی، فناورانه، زیست محیطی و بین المللی می دانند (آدبایو و یولا، ۲۰۲۴؛ یان و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین تأکید پژوهش حاضر بر نقش میانجی نوآوری، مشارکت و

حمایت نهادی در کارایی زنجیره ارزش، بازتابی از مفاهیم کلیدی در نظریه GTFEE و نظریات نوین در حوزه سیاست‌گذاری سبز است که به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌تواند راهبردی برای ارتقاء اشتغال، کاهش فقر و دستیابی به رفاه اقتصادی پایدار تلقی شود. بنابراین، می‌توان گفت که یافته‌های این پژوهش، ضمن تأیید شواهد موجود، با ارائه یک مدل بومی‌شده و ترکیبی، چارچوبی عملیاتی برای طراحی مداخلات مؤثر در حوزه توسعه منطقه‌ای و اشتغال پایدار فراهم کرده است.

پیشنهادهای سیاست‌گذاری و کلان

۱. طراحی سیاست‌های حمایتی یکپارچه برای توسعه زنجیره ارزش محلی: دولت و نهادهای توسعه‌گر باید با تدوین سیاست‌های هدفمند، مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات بانکی و حمایت‌های قانونی، شرایط را برای تکمیل زنجیره‌های ارزش در مناطق محلی تسهیل کنند.
 ۲. ایجاد نظام ارزیابی و پایش پروژه‌های اشتغال‌زای محلی بر اساس مدل مفهومی پیشنهادی: استفاده از سه متغیر کلیدی مدل (توانمندسازی، توسعه ظرفیت اقتصادی و پیامدهای توسعه‌ای) می‌تواند شاخص‌های مؤثری برای ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها فراهم آورد.
- پیشنهادهای اجرایی و مدیریتی
۳. سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش مهارتی و توانمندسازی سرمایه انسانی محلی: نهادهای اجرایی باید با برگزاری دوره‌های تخصصی مبتنی بر نیازهای زنجیره ارزش، زمینه مشارکت فعال نیروی کار محلی را فراهم کنند.
 ۴. توسعه زیرساخت‌های مکمل برای تقویت پیوندهای زنجیره ارزش: تجهیز مناطق به زیرساخت‌هایی مانند سردخانه، کارگاه‌های فرآوری، بازارچه‌های محلی و مسیرهای حمل‌ونقل می‌تواند بهره‌وری زنجیره ارزش را افزایش دهد.
 ۵. تشویق به ایجاد شبکه‌های همکاری بین BDSp ها، تعاونی‌ها و نهادهای توسعه‌ای: انسجام و هم‌افزایی بین فعالان اقتصادی و پشتیبانان زنجیره، ضریب موفقیت و ماندگاری اشتغال را بالا می‌برد.

پیشنهادهای پژوهشی و آینده‌نگر

۱. مطالعه مدل در سایر حوزه‌های جغرافیایی و صنایع محلی: بررسی کارآمدی مدل مفهومی در مناطق دیگر و زنجیره‌های مختلف (مثلاً گردشگری، صنایع دستی، کشاورزی) به تعمیم‌پذیری آن کمک می‌کند.
۲. تحلیل نقش فناوری‌های نوین (مانند بلاک‌چین یا هوش مصنوعی) در بهینه‌سازی زنجیره ارزش محلی: بررسی امکان استفاده از فناوری‌های دیجیتال در ردیابی، فروش و هماهنگی اجزای زنجیره ارزش.
۳. ارزیابی اثرات بلندمدت مدل پیشنهادی بر پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی جوامع محلی: مطالعات طولی برای بررسی پیامدهای جامع‌تری از اجرای مدل.

References

- Abrell, Jan & Kosch, Mirjam, 2022. "Cross-country spillovers of renewable energy promotion—The case of Germany," *Resource and Energy Economics*, Elsevier, vol. 68(C).
- Adedokun, A.J.; Falayi, O.R.; Adeleke, A.M. An autoregressive analysis of the determinants of private savings in Nigeria. *Rev. Innov. Compet. A J. Econ. Soc. Res.* 2020, 6, 5–20.
- Banga, J. The green bond market: A potential source of climate finance for developing countries. *J. Sustain. Financ. Invest.* 2019, 9, 17–32.
- Busch, D. EU Sustainable Finance Disclosure Regulation. *Cap. Mark. Law J.* 2023, 18, 303–328.
- Cai, J.; Li, X.; Liu, L.; Chen, Y.; Wang, X.; Lu, S. Coupling and Coordinated Development of New Urbanization and Agro-Ecological Environment in China. *Sci. Total Environ.* 2021, 776, 145837.
- Chakraborty, D. Exploring causality between domestic savings and economic growth: Fresh panel evidence from BRICS countries. *Econ. Altern.* 2023, 1, 48–69.
- Chen, Shiyi & Song, Hong & Wu, Chenyu, 2021. "Human capital investment and firms' industrial emissions: Evidence and mechanism," *Journal of Economic Behavior & Organization*, Elsevier, vol. 182(C), pages 162-184.
- Du, X. Can Environmental Regulation Promote High-Quality Economic Development?: Evidence from China. *Econ. Anal. Policy* 2023, 80, 1762–1771. [Google Scholar] [CrossRef]
- Epede, Mesumbe Bianca & Wang, Daoping, 2022. "Global value chain linkages: An integrative review of the opportunities and challenges for SMEs in developing countries," *International Business Review*, Elsevier, vol. 31(5).
- Eyraud, L. Why Isn't South Africa Growing Faster? A Comparative Approach (No. 9-25); International Monetary Fund: Washington, DC, USA, 2009.

- Govdeli, T. Economic growth, domestic savings and fixed capital investments: Analysis for Caucasus and central asian countries. Montenegrin J. Econ. 2022, 18, 145–153.
- Guo, B.; Wang, Y.; Zhang, H.; Liang, C.; Feng, Y.; Hu, F. Impact of the Digital Economy on High-Quality Urban Economic Development: Evidence from Chinese Cities. Econ. Model. 2023, 120, 106194.
- Guo, J.; Sun, Z. How Does Manufacturing Agglomeration Affect High-Quality Economic Development in China? Econ. Anal. Policy 2023, 78, 673–691.
- Hao, Yu & Gai, Zhiqiang & Wu, Haitao, 2020. "How do resource misallocation and government corruption affect green total factor energy efficiency? Evidence from China," Energy Policy, Elsevier, vol. 143(C).
- Heidari Sarban, vakil (2013). Investigating the Factors Affecting Farmers' Empowerment in Ahar County Villages, Quarterly Journal of Geographic Space, 13, s 41, pp. 170-157. (In Persian)
- Heidari Sarban, vakil and majnooni Tootatkhani, Ali (2017).explaining the role of information and communication technology (ICT) about social capacity of rural areas (case study: Meshgin-Shahr city), human settlements planning studies, 12(2), pp. 283-267. (In Persian)
- Hosseininia, Gh., & Fallai, H. (2017). [Factors Affecting the Development of Rural Entrepreneurship: A Case Study on the Rural Areas of Manoojan County (Persian)]. Journal of Rural Researchs, 8(1), 22-37. <http://dx.doi.org/10.21859/jjr-08012>.
- Huwei Wen, Shuai Chen, and Chien-Chiang Lee, 2023. "Impact of Low-carbon City Construction on Financing, Investment, and Total Factor Productivity of Energy-intensive Enterprises," The Energy Journal, International Association for Energy Economics, vol. 0(Number 2).
- Jalo, Noor & Johansson, Ida & Kanchiralla, Fayas Malik & Thollander, Patrik, 2021. "Do energy efficiency networks help reduce barriers to energy efficiency? -A case study of a regional Swedish policy program for industrial SMEs," Renewable and Sustainable Energy Reviews, Elsevier, vol. 151(C).
- Karishma Banga, 2022. "Impact of global value chains on total factor productivity: The case of Indian manufacturing," Review of Development Economics, Wiley Blackwell, vol. 26(2), pages 704-735, May.

- Liu, Tie-Ying & Lee, Chien-Chiang, 2020. "Convergence of the world's energy use," Resource and Energy Economics, Elsevier, vol. 62(C).
- Liu, Y.; Han, L.; Pei, Z.; Jiang, Y. Evolution of the Coupling Coordination between the Marine Economy and Urban Resilience of Major Coastal Cities in China. Mar. Policy 2023, 148, 105456.
- Molae Hashjin, Nasrallah (2007). An Analysis of the Reviewing Requirements for Rural Development Planning Policies in Iran, Ahar Geographic Magazine, Seventh Year, No.17, 40-20.
- Osei, M.J.; Kim, J. Foreign direct investment and economic growth: Is more financial development better? Econ. Model. 2020, 93, 154–161.
- Pian Shu & Claudia Steinwender, 2019. "The Impact of Trade Liberalization on Firm Productivity and Innovation," Innovation Policy and the Economy, University of Chicago Press, vol. 19(1), pages 39-68.
- Pierluigi Montalbano & Silvia Nenci & Davide Vurchio, 2022. "Energy Efficiency and Productivity: A Worldwide Firm-level Analysis," The Energy Journal, , vol. 43(5), pages 93-116, September.
- Rasekhi, B., Ghanbari Movahed, R., & Alibayghi, A. (2018). [Comparative analysis of agricultural entrepreneurship in rural and urban areas of Kermanshah province (Persian)]. Journal of Rural Research, 9(3), 346-359, <http://dx.doi.org/10.22059/jrur.2017.228470.1071>
- Salmani, Mohammad rezvani, Mohammad Reza; Pourtaheri, Mehdi, Wiszi, Farzad (2011). the role of seasonal labor migration in rural household livelihoods (Sarvabad city, Kurdistan province). Human Geography Research, No. 77. Pages 140-120. (In Persian).
- Sayyed AliPoor, Seyed Khalil, Paydar, Abuzar and Sadeghi, Khadijeh (2014). A Modeling of Strategies for Realizing Sustainable Economics with Emphasis on Sustainable Security in Rural Areas (CSP Jazmurian-Southern Kerman), Geography and Development Magazine, 44 (Volume 14). 63-45). (In Persian)
- Shahmoradi, M., Ehsanifar, T., Farahmand, F., Rostami, F., & Sahraie, M., (2019). [Surveying the Challenges in Realization of Rural Women's Business Ideas (Persian)]. Journal of Rural Research, 9(4), 552-563, <http://dx.doi.org/10.22059/jrur.2018.261886.1265>.
- Sharifzadegan, Mohammad Hossein (2003). Planning and Causes of Reducing the Effectiveness of Development Plans in Iran, Quarterly Journal of Agricultural Economics and Development, 11, 43 and 44, Ministry of Jihad-e-Sazandegi publications, Tehran. (In Persian)

- Shen, L.; Chen, X.; Du, X.; Yang, Z. An Improved Method for Investigating Urban Municipal Infrastructures Carrying Capacity. *Sustain. Prod. Consum.* 2022, 29, 299–310.
- Šubová, N.; Buleca, J.; Affuso, E.; Mixon, F.G., Jr. The link between household savings rates and GDP: Evidence from the Visegrád group. *Post-Communist Econ.* 2023, 2, 1–25.
- Tendengu, S.; Kapingura, F.M.; Tsegaye, A. Fiscal policy and economic growth in South Africa. *Economies* 2022, 10, 204.
- Tolliver, C.; Keeley, A.R.; Managi, S. Green bonds for the Paris agreement and sustainable development goals. *Environ. Res. Lett.* 2019, 14, 064009.
- Tomiwa Sunday Adebayo & Sami Ullah, 2024. "Towards a sustainable future: The role of energy efficiency, renewable energy, and urbanization in limiting CO2 emissions in Sweden," *Sustainable Development*, John Wiley & Sons, Ltd., vol. 32(1), pages 244-259, February.
- Wang, C.Y.; Xu, M.; Olsson, G.; Liu, Y. Characterizing of Water-Energy-Emission Nexus of Coal-Fired Power Industry Using Entropy Weighting Method. *Resour. Conserv. Recycl.* 2020, 161, 104991.
- Wen Huwei & Chen Shuai & Lee Chien-Chiang, 2023. "Impact of Low-carbon City Construction on Financing, Investment, and Total Factor Productivity of Energy-intensive Enterprises," *The Energy Journal*, , vol. 44(2), pages 79-102, March.
- Wen, Huwei & Li, Nuoyan & Lee, Chien-Chiang, 2021. "Energy intensity of manufacturing enterprises under competitive pressure from the informal sector: Evidence from developing and emerging countries," *Energy Economics*, Elsevier, vol. 104(C).
- Wen, Huwei & Liang, Weitao & Lee, Chien-Chiang, 2022. "Urban broadband infrastructure and green total-factor energy efficiency in China," *Utilities Policy*, Elsevier, vol. 79(C).
- Yan, Yunfeng & Wang, Ran & Zheng, Xiuxiu & Zhao, Zhongxiu, 2020. "Carbon endowment and trade-embodied carbon emissions in global value chains: Evidence from China," *Applied Energy*, Elsevier, vol. 277(C).
- Yang, Bo & Liu, Baozhen & Peng, Jiachao & Liu, Xujun, 2022. "The impact of the embedded global value chain position on energy-biased technology progress: Evidence from chinas manufacturing," *Technology in Society*, Elsevier, vol. 71(C).

- Yue Hua & Yue Lu & Ruili Zhao, 2022. "Global value chain engagement and air pollution: Evidence from Chinese firms," *Journal of Economic Surveys*, Wiley Blackwell, vol. 36(3), pages 708-727, July.
- Zhang, F.; Tan, H.; Zhao, P.; Gao, L.; Ma, D.; Xiao, Y. What Was the Spatiotemporal Evolution Characteristics of High-Quality Development in China? A Case Study of the Yangtze River Economic Belt Based on the ICGOS-SBM Model. *Ecol. Indic.* 2022, 145, 109593.
- Zhou, Fengxiu & Wang, Xiaoyu, 2022. "The carbon emissions trading scheme and green technology innovation in China: A new structural economics perspective," *Economic Analysis and Policy*, Elsevier, vol. 74(C), pages 365-381.
- Zhou, Fengxiu & Wen, Huwei & Lee, Chien-Chiang, 2022. "Broadband infrastructure and export growth," *Telecommunications Policy*, Elsevier, vol. 46(5).
- Zhou, Fengxiu & Wen, Huwei, 2022. "Trade policy uncertainty, development strategy, and export behavior: Evidence from listed industrial companies in China," *Journal of Asian Economics*, Elsevier, vol. 82(C).
- Zhou, X.; Du, J. Does environmental regulation induce improved financial development for green technological innovation in China? *J. Environ. Manag.* 2021, 300, 113685.
- Zhuqing Mao, 2022. "Global Value Chains (Gvcs) And Economic Growth: A Nonlinear Analysis," *The Singapore Economic Review (SER)*, World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd., vol. 67(03), pages 985-1004, June.